

## پژوهشی در روایات اقتصادی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده: رضایی آدریانی، مجتبی عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

منبع: پژوهش های مهدوی «زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۲۳»

### چکیده

حکومت امام زمان (عج)، با توجه به وسعت و نیز جهان بینی حاکم بر آن، پیامدهایی عمیق و تاثیرگذار در سطح جهانی و در ابعاد مختل زندگی فردی و اجتماعی افراد خواهد داشت. یکی از این ابعاد، که دغدغه امروزین بسیاری از جوامع را تشکیل می دهد، نگاه و پیامدهای اقتصادی حکومت مهدوی (عج) است. در این مقاله تلاش شده با نگاهی توصیفی - تحلیلی، روایات مرتبط با این بعد از حکومت امام زمان (عج)، گردآوری و مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرند. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که با توجه به وفور نعمت ها و برکت های آسمانی و زمینی از یکسو و رشد معنوی مردم و تغییر نگرش آنها به سبک زندگی از سوی دیگر، شاهد زندگی همراه با امنیت اقتصادی و قناعت و مناعت طبع، در سطح جهانی و در میان افراد و جوامع مختلف خواهیم بود.

### کلمات کلیدی

اقتصاد اسلامی، روایات اقتصادی، دستاورها، حکومت امام زمان (عج)

### مقدمه

یکی از مهم ترین دغدغه های بشر در طول تاریخ را معضل مسائل اقتصادی تشکیل می دهد. از زمانی که جوامع، شکل گرفتند و انسان ها به زندگی اجتماعی روی آوردند، مجبور به انواع تعامل ها و داد و ستدها با یکدیگر شدند که یکی از آنها داد و ستدهای اقتصادی بود. نیاز افراد و جوامع به این گونه از دادوستدها از یکسو و روحیات سرکش و زیاده خواهانه بشر از سوی دیگر باعث شد تا توازن و تعادل در این گونه تعامل ها دچار خلل شود و کم کم انواع مفاسد اقتصادی از قبیل دزدی، کم فروشی، گران فروشی، ایجاد درآمدهای کاذب و ناپسند، و... گریبان گیر جوامع شوند و به یکی از مهم ترین دغدغه های حکومت هایی تبدیل شوند که خود، از دل همین مردم و افراد رنگارنگ آن شکل گرفته بودند! نتیجه آن که: حکومت ها نیز از این لغزش گاه در امان نماندند و معضل فساد اقتصادی، همچون سایر معضل ها، بسیار ریشه ای تر و پیچیده تر گردید و این بار و در این مرحله، از فرصت و حمایت برنامه ریزی کلان دولت ها و حکومت ها نیز بهره مند گردید تا آن جا که در روزگار ما، رسیدن به عدالت اقتصادی و جامعه سالم از مفاسد مالی، به آرزویی برای بشر تبدیل شده است

که هیچ برنامه و دولت و سیستم دقیق رایانه ای و امثال آن، یارای مقابله و ریشه کن کردن آن را ندارد و در هر جامعه ای گونه هایی از آن - با شدت و ضعف - مشهود هستند.

در چنین فضایی، اسلام یکی از ارکان حرکت خویش و اهداف چشم اندازش را جامعه سالم از هرگونه فساد اقتصادی، لاقط در سطح برنامه ریزی و کلان، قرار داده و وعده تحقق آن را در آینده روشن بشریت و روزگار رهایی بشر از تارهای خود تنیده و رسیدن به حکومت مهدوی داده است. در مباحث آینده در پی آن هستیم تا با کنکاش در روایات ناظر به ابعاد اقتصادی حکومت امام زمان(عج)، نکاتی را که در این زمینه قابل استفاده است، حتی الامکان استخراج و استقصا نمائیم.

### شیوه تحقیق

در بررسی و نگاه جامع داشتن نسبت به روایات پیرامون یک موضوع، از دو شیوه می توان بهره جست: الف. تخصص محور؛ ب. متن محور. در شیوه نخست، با توجه به اصطلاحات و قوانین حاکم بر دانش مرتبط با آن موضوع، تلاش می شود روایات موجود، تطبیق و تفسیر شود؛ بنابراین شخصی که صاحب آن تخصص است براساس قوانین حاکم و اصطلاحات رایج در آن دانش به سراغ روایات رفته و تلاش دارد نگاهی تطبیقی میان آندو برقرار نماید ولی در شیوه دوم، تلاش بر آن است که مجموعه روایات موجود در یک موضوع یا محور، گردآوری و دسته بندی شوند و مفاد آنها مورد بررسی و واکاوی قرار گیرند. در این شیوه، فارغ از آن که متخصصان آن دانش چه می گویند و کلمات، چه بار معنایی ویژه ای دارند و در یک کلمه، جدای از زبان علم، روایات و دلالت آنها مورد کنکاش فقیهانه قرار می گیرند و استنتاج می شوند. در این مقاله از روش دوم استفاده شده است؛ به ویژه که دانش اقتصاد و اصطلاحات رایج در فضای امروزین این علم، نسبت به روایات موجود، بسیار متأخرتر و با فاصله زمانی بسیار زیاد شکل گرفته اند و نباید و نمی توان انتظار داشت که روایات را براساس چنین دانشی فهمید و تفسیر نمود. آن چه در این زمینه ما را به انتخاب شیوه دوم، بیشتر ترغیب نمود توجه به دو نکته مهم است:

۱. زیرساخت نادرست مادی گرایانه و انسان محور علوم رایج در دنیای امروز که یقیناً باعث برداشت و نگاه غلط به روایات می شود؛

۲. به صورت ویژه در علمی مثل علم اقتصاد که از هیچ واقعیتی برخوردار نیستند و ماهیت آنها را مسائل و قوانینی اعتباری و قراردادی تشکیل می دهند، چنین زاویه ای نمی تواند ملاک درست و انتخاب شایسته ای برای فهم روایات باشد. بلکه روایات را باید براساس قوانین و قواعدی که از خود آنها قابل استنباط و استخراج است فهمید و تفسیر نمود. با توجه به آن چه گذشت، شیوه انتخابی در این مقاله، شیوه متن محور است.

نکته دیگری که در شیوه تحقیق باید در نظر داشت این که هرچند روایات فراوانی در زمینه اقتصاد اسلامی از اهل بیت(ع) در دست است و همچنین گزارش هایی از برخوردهای اقتصادی رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است ولی این مقاله تنها به روایات مرتبط به دوران حاکمیت امام زمان(عج) می پردازد چراکه: از یکسو بررسی تمامی روایات موجود، نیازمند صرف وقت فراوان و کنکاش های فقیهانه گسترده ای است که از عهده یک مقاله خارج است و موضوع یک یا چند پایان نامه خواهد بود. از سوی دیگر بررسی و نقد این مجموعه عظیم، محتاج استخراج و تدوین نظام جامع اقتصادی اسلام است که از عهده یک نفر خارج است و کاری گروهی و گسترده را می طلبد که فعلا از توان نگارنده محترم مقاله، خارج است؛ بنابراین و به اقتضای موضوع همایش، به بررسی روایات ناظر به حکومت امام زمان(عج) بسنده می شود.

آن چه این مقاله در پی آن است بررسی فقیهانه روایات موجود با موضوع اقتصاد دوران حاکمیت امام زمان(عج) است و این که از این روایات، چه نکاتی قابل استفاده و برداشت است. مطالب موجود در روایات آخرازمانی و ناظر به بُعد اقتصادی حکومت امام زمان(عج) را در سه عنوان کلی «رسالت»، «سیاست» و «پیامد» می توان دسته بندی و بررسی نمود، به این ترتیب:

۱. رسالت اقتصادی امام زمان(عج)؛

۲. سیاست های اقتصادی امام زمان(عج)؛

۳. پیامدهای سیاست های اقتصادی امام زمان(عج).

در ادامه به طرح و بررسی هریک از عناوین فوق در روایات آخرازمانی می پردازیم:

## رسالت اقتصادی امام زمان(عج)

مهم ترین رسالت امام زمان(عج) بر پایه روایات فراوان موجود، برپایی عدالت و ریشه کنی ظلم و ستم است. براساس برپایی و حاکمیت عدالت است که تمامی اهداف دین و آرزوهای بشر دست یافتنی و برآورده خواهد شد. اگر خداوند متعال صحبت از عبادت غیرمشرکانه<sup>۱</sup> به میان می آورد، این غایت، تنها در فرض استخلاف آنها امکان دارد که نتیجه ای جز حاکمیت جهانی عدالت ندارد. همچنین اگر عاقبت و پایان کار از آن اهل تقوا است،<sup>۲</sup> نزدیک ترین چیز به تقوا، غیر از عدالت نیست<sup>۳</sup> و اگر کتاب و میزان نازل می شود، غایتی جز عدالت محوری ندارد.<sup>۴</sup> بدیهی است که عدالت مد نظر در روایات، معنایی گسترده دارد و مصادیق فراوانی را شامل می شود که یکی از آنها عدالت اقتصادی است. هرچند عدالت اقتصادی، شعار تمامی دولت ها و حکومت هاست ولی با توجه به دو مشکل خلأها و چاله های قانونی - ناشی از نفوذ فساد در سامانه قانون گذاری - از یکسو و انگیزه های شیطانی موجود در تمامی انسان ها از سوی دیگر، این شعار، هیچ گاه محقق نخواهد شد و بشر

در آرزوی رسیدن به جامعه ای مبتنی بر عدالت اقتصادی، ایام را به سر خواهد برد تا زمانی که حکومتی برپا شود که از یکسو در رأس آن رهبری معصوم و آسمانی وجود داشته باشد و از سوی دیگر، تمامی راه ها برای نفوذ فساد در سامانه قانون گذاری بسته باشد. از همین رو است که عدالت اقتصادی به عنوان یکی از شاخصه های حکومت امام زمان(عج) نام برده شده است و در دعاها و مرتبط با آن حضرت، یکی از درخواست ها از خداوند متعال را تحقق این آرمان بشری در قالب تشکیل حکومت مهدوی تشکیل می دهد:

امن به علی فقراء المسلمین و اراملهم و مساکینهم؛<sup>۵</sup>

اشبع به الخماص الساغبة و أرح به الأبدان اللاغية المتعبة؛<sup>۶</sup>

أغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرنا؛<sup>۷</sup>

فلا یترک عبدا مسلما الا اشتراه و أعتقه و لا غارما الا قضی دینه و لا مظلمة لأحد من الناس الا ردها و لا یقتل منهم عبد الا أدى ثمنه دية مسلمة إلى أهلها و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و ألحق عیاله فی العطاء.<sup>۸</sup>

براساس روایات یاد شده، هدف گذاری اقتصادی امام زمان(عج) را در عناوین ذیل می توان دسته بندی نمود:

- ریشه کن سازی فقر: «امن به علی فقراء المسلمین و اراملهم و مساکینهم» «اجبر به فقرنا» «اشبع به الخماص اللاغية»؛

- بی نیاز سازی خانواده ها: «اغن به عائلنا» «لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و الحق عیاله فی العطاء»؛

- پرداخت بدهی ها: «اقض به عن مغرنا» «و لا غارما الا قضی دینه و لا مظلمة لأحد من الناس الا ردها... و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه».

روشن است که تحقق عدالت اقتصادی بر مبنای دو اصل یاد شده (رهبر معصوم؛ جلوگیری از نفوذ) به دو نتیجه عمده: فقرزدایی و رفاه عمومی خواهد انجامید که در یک کلمه می توان از آن با عبارت «امنیت اقتصادی» یاد کرد؛ بنابراین مهم ترین رسالت اقتصادی حکومت امام زمان(عج)، حاکمیت عدالت اقتصادی است که نتیجه ای جز برقراری امنیت اقتصادی نخواهد داشت.

در ادامه به بررسی برخی از سیاست های اجرایی امام زمان(عج) برای رسیدن به چنین هدفی بر پایه روایات موجود می پردازیم:

### سیاست های اقتصادی امام زمان(عج)

پیش از آن که وارد بحث از سیاست های اقتصادی امام زمان(عج) بشویم باید توجه داشت درباره شرایط اقتصادی حاکم بر عصر امام زمان(عج)، نمی توان با اطمینان سخن گفت؛ چراکه فضای اقتصاد و کسب و کار از منظر بشر امروزی، یک تعریف و نظام دارد و از منظر دین اسلام، تعریف و نظامی دیگر. در فضای اقتصادی

معاصر، هر چند فضای کسب و کار، پاسخگوی نیازهای مالی و مادی افراد است ولی از سوی دیگر با نگاه مادی زده به انسان حرکت می کند و انسان را در جریان زندگی زمینی تعریف و تفسیر و زمین گیر می نماید. از این رو چنین نظامی هیچ گاه نمی تواند مطلوب دین باشد و دین، با چنین نظام اقتصادی، میانه ای ندارد. نظامی که «ریح المؤمن علی المؤمن ربا» دارد،<sup>۹</sup> نظامی که بر قرض الحسنه استوار است، نظامی که ثروت اندوز و بانک محور نیست، نظامی که برای ایجاد امنیت روانی نسبت به آینده نگاه ها را معطوف به خداوند می داند نه میزان پس انداز و...، نظامی که قائل به (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) (معارج: ۲۴-۲۵) است، و...؛ چنین نظامی در دنیای اقتصادی امروز، هیچ تعریف و توجیهی ندارد و نظام اقتصادی امروزی بشر نیز در آن، هیچ جایگاهی ندارد. آن چه مسلم است این که می بایست نظام اقتصادی حاکم بر آن دوران را با رجوع به مبانی اقتصادی اسلام شناخت و استخراج نمود که خارج از عهده و موضوع این مقاله است و مجال بسیار واسع را می طلبد. در این جا به همین اشاره بسنده کرده به یادآوری نکته ای دیگر می پردازیم:

برخلاف جهان بینی حاکم بر دنیای امروز که تمامی ابعاد زندگی بشر امروزی (سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - ...) را دربر گرفته و مبتنی بر جنبه مادی انسان است؛ جهان بینی اسلامی، مبتنی بر روح انسان است؛ هر چند نیم نگاهی به جنبه های مادی او نیز دارد. وقتی در مکتبی، اصالت به روح داده شد، یقیناً تمامی برنامه ها و اهداف، در جهت رشد و تعالی آن طرح و اجرا خواهند شد. ناگفته پیداست که رفتار انسان در فرض اصالت روح با رفتار وی در فرض اصالت ماده، تفاوت ماهوی دارد که نمونه هایی از این عمق تفاوت را در مکاتب روح گرای غیر الهی می توان مشاهده نمود. جایگاه ماده در معابد ورزشی - روحانی چینیان، و ریاضت های مرتاضان هندی کاملاً گویای این امر است. نظام اقتصادی اسلام نیز مستثنی از این قانون نیست، هر چند نگاه مادی در این مکتب بسیار قوی تر از مکاتب یاد شده است؛ بنابراین به جرأت می توان گفت نظام اقتصادی مادی محور دنیای امروز، هیچ جایگاهی در حکومت روح گرای امام زمان (عج) ندارد و آن جهان بینی، نظام اقتصادی کاملاً متفاوتی را می طلبد. اگر کسی ادعا نماید در آن نظام، هیچیک از پیشرفت های مادی امروزی بشر که مبتنی بر انسان زمینی، شکل گرفته اند جایی نخواهند داشت و نظامی اقتصادی و روح محور برای انسان آسمانی، جای آن را خواهد گرفت؛ سخن به گزافه نرانده است. تأملی در رفتار مادی رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و سایر اهل بیت (ع) و تغافل آنها از پرداختن به ایجاد بستر مناسب برای پیشرفت مادی، هم چنان که تأکید فراوان بر جنبه های معنوی دارند و تمام وقت خود را مصروف این جنبه در خود و دیگران می نمودند، گویای وجود چنین تفاوت ماهوی میان نگاه اقتصادی اسلامی و مادی است. این تفاوت، آنقدر مشهود و عمیق است که مثلاً در نظام اقتصادی اسلام، رشد و برکت اقتصادی، کاملاً مرهون جنبه های معنوی و فرامادی است. پیوند برکت با تقوا (وَكُؤْ أَنْ أَهْلَ الْتُقْرِى آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...) (اعراف:

۹۶) و روزی، با به پا داشتن قوانین الهی (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...) (مائده: ۶۶) و وسعت روزی، با اکرام یتیم و اطعام مسکین (وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ \* كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ \* وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ) (فجر: ۱۶-۱۸) و وفور نعمت، با استغفار (فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا) (نوح: ۱۰-۱۲) و هلاک و نابودی امتهای با اتراف (وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا) (اسراء: ۱۶) نمونه هایی از این جهان بینی و نظام اقتصادی در آیات قرآن است. نظامی که در نگاه مادی گرای امروزین هیچ جایگاه و توجیه علمی ندارد و در هیچ کتاب و نوشتاری نمی توان آن را رصد نمود؛ بلکه اصول حاکم بر آن کاملاً مخالف با نگاه دینی است (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا...) (بقره: ۲۷۵) (... أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ...) (یس: ۴۷) (أَنْ لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ) (قلم: ۲۴) (إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي) (قصص: ۷۸) (... وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا) (کهف: ۳۶) نمونه ای از ارکان نظام اقتصادی مادی و انسان محور است.

در مجموع، از این منظر نیز ترسیم نظام و فضای اقتصادی حاکم بر دوران امام زمان(عج)، خارج از تصور و ادراک مادی زده امروزین ماست.

اکنون با در نظر داشتن دو نکته یاد شده به سراغ روایات اقتصادی موجود رفته به بررسی سیاست های اقتصادی امام زمان(عج) می پردازیم:

هر هدفی برای دستیابی، نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری دقیق و کارآمد است. رسالت اقتصادی امام زمان(عج) نیز از این قانون عام مستثنی نیست؛ بنابراین آن حضرت برای پیشبرد امور خویش و رسیدن به هدف و تحقق رسالت خویش، نیازمند برنامه و سیاست گذاری اقتصادی است. سیاست های اقتصادی امام زمان(عج) بر پایه آن چه در روایات آمده است در دو ساحت، قابل دسته بندی و بررسی است: سیاست های عمومی؛ سیاست های شخصی.

منظور از سیاست های عمومی، سیاست هایی است که برای اجرا در جامعه و میان عموم مردم، تدوین می گردد و منظور از سیاست های شخصی، برنامه هایی است که امام زمان(عج)، برای زندگی شخصی خویش در نظر گرفته است و زندگی اقتصادی خویش را بر پایه آن اداره می نماید. در ادامه به بررسی هر یک از دو عنوان یاد شده می پردازیم:

## الف) سیاست های عمومی

براساس روایات موجود، سیاست های اقتصادی امام زمان(عج) در بخش عمومی خویش به دو بخش تقسیم می شود:

۱. سیاست های مربوط به دریافت و توزیع؛
۲. مبارزه با فساد.

### ۱. سیاست های مربوط به دریافت و توزیع

در نظام اقتصادی اسلام، حکومت تولیدکننده نیست بلکه نقش مدیریتی دارد و اداره کننده توزیع متناسب ثروت در سطح جامعه به شمار می آید. دقت در زندگانی سیاسی رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) به خوبی گویای این امر است. هردو معصوم هیچ گاه به عنوان زعامت و رهبری مسلمانان، وارد چرخه تولید و کارهای اقتصادی نشدند و هر کاری هم صورت دادند اولاً به عنوان یک شهروند و ثانیاً با استفاده از امکانات شخصی بود. از دیگر سو در نظام مالی اسلام و به منظور رشد طبیعی جامعه و جلوگیری از شکاف طبقاتی و دوقطبی شمال و جنوب، اموالی از ثروتمندان و توانمندان گرفته می شود که حکومت موظف است عین آن را به نیازمندان برساند. از سوی سوم و با توجه به عدم دخالت حکومت در تولید از یک طرف و وجود احتیاجات عمومی از طرف دیگر، لاقلاً تأمین مالی گوشه ای از طرح های عمرانی نیز بر عهده بخش دیگری از تولیدگران نهاده شده است که حکومت با گردآوری و مدیریت آنها، اجرای طرح های عمرانی را به عهده می گیرد؛ بنابراین باز این مردم هستند که تولیدکننده به شمار می آیند و حکومت نیز مدیریت هزینه کرد آنها را بر عهده دارد.

یک نکته اساسی در این میان، نگاه اسلام به بخش تولید است. یکی از اساسی ترین تفاوت های ماهوی میان نگاه اسلام و سایر مکاتب به تولید، به غایت آن باز می گردد. اسلام، تولید را برای توزیع می پسندد. تأکید اسلام بر اموری همچون وقف، صدقات مستحب، انفاق و کفارات مالی، در کنار فرهنگ سازی عمومی، گویای این امر است که تولید، هرچند در اسلام، مرغوب و مطلوب است ولی به خاطر آن که ثروت پدید آمده، در سطح عموم، توزیع شود و توازن اقتصادی جامعه، حفظ گردد. روشن است که تمامی افراد جامعه یا فکر اقتصادی ندارند یا توان کار ندارند یا فاقد سرمایه لازم هستند که در سایه سیاست تولید برای توزیع، هم توازن جامعه حفظ می شود و هم در سایه تعاون عمومی، رشد و بالندگی جامعه، تضمین خواهد شد. ماجرای فدک و درآمد بالای آن یا برخورد امیرالمؤمنین با درآمد فوق حد تصور عین ابی نیز که گوشه ای از موقوفات ایشان را تشکیل می داد، گویای کامل این سیاست بی بدیل اسلامی است. برخلاف مکاتب مادی گرا و انسان محور امروزی که تولید را برای تولید می خواهند. انسان مادی گرا براساس غریزه حب مال<sup>۱۰</sup> از یکسو ثروت اندوزی

برای او یک اصل به شمار می آید<sup>۱۱</sup> تا آن جا که او را از مقصد، غافل می سازد<sup>۱۲</sup> و گرفتار دام حرص می گردد. در مکاتب غیر الهی، پول است که پول می آورد و تولید در خدمت تولید قرار می گیرد تا بازارهای بیشتری به دست آید و ثروت انبوه تری فراهم گردد بدون آن که هزینه کرد درستی داشته باشد. مصیبت آن گاه فزونی می یابد که اقتصاد، آلت دست سیاست می شود و تولید، به ابزاری کارآمد برای نفوذ و سلطه حکومت ها بر سایر مناطق تبدیل می گردد.

در هر حال سیاست دریافت و توزیع دینی، کاملاً در رفتار اقتصادی امام زمان(عج) از زبان روایات موجود، مشهود است. هیچ نشانی از دخالت حکومت حضرت در تولید و فعالیت های اقتصادی در روایات، مشاهده نمی شود. بلکه حضرت، نقش مدیریتی در دریافت و هزینه کرد اموال عمومی را داراست.

#### دریافت

نسبت به دریافت، براساس روایات موجود به دو نکته می توان اشاره داشت: یکی منابع مالی حکومت مهدوی؛ و دیگری خزانه ی آباد امام زمان(عج) در پرتو رشد منابع مالی.

#### منابع مالی

طبق آن چه در روایات آمده است، امام زمان از دو منبع مالی گسترده برخوردار است: درآمدهای مردمی؛ برکات آسمانی و زمینی

#### درآمدهای مردمی

در دو روایت از امام باقر(ع) به رونق خزانه امام زمان(عج)، تصریح شده است:

يُخْرِجُ النَّاسَ خِرَاجَهُمْ عَلَي رِقَابِهِمُ اِلَى الْمَهْدِيِّ؛<sup>۱۳</sup>

تجمع اليه اموال الدنيا ما في بطن الارض و ظهرها.<sup>۱۴</sup>

روایت نخست که ناظر به نظام پرداخت مالیاتی است فاقد سند است و روایت دوم که می توان آن را ناظر به در اختیار امام زمان(عج) قرار گرفتن خزانه های دنیا دانست، از سندی قابل تصحیح برخوردار است. روایتی مرسل از امیرالمؤمنین(ع) در منابع اهل تسنن هم برداشت صورت گرفته از متن آن را تقویت می نماید:

تنقل اليه الخزائن.<sup>۱۵</sup>

نکته قابل توجه، ادبیات به کار رفته در روایات است. این ادبیات می تواند ناظر به فضای صدور و جو حاکم بر آن دوران باشد، همان گونه که می تواند حتی ناظر به دوران حاکمیت امام زمان(عج) و نظام اقتصادی حاکم بر آن دوران باشد. به دیگر بیان: می توان دو نوع سامانه گردآوری مالیات در دوران حکومت امام زمان(عج)



تصور نمود. یکی خزانه داری مرکزی که تمامی درآمدها به آن واریز و از آن توزیع گردد و دیگری خزانه داری های منطقه ای که تنها تحت نظارت یک سامانه مرکزی به دریافت و اختصاص منابع مالیاتی اقدام می کنند. بنابر تحفظ بر ظاهر روایات، احتمال دوم (خزانه داری مرکزی) قوی تر و مستندتر است. از دیگر سو لازمه خزانه داری مرکزی، وجود پول مشترک در تمامی زمین است که یا در قالب واحد پولی جدید یا بازگشت به طلا و نقره قابل تصور است.

### برکات آسمانی و زمینی

در روایات فراوانی به ظهور برکات آسمانی و زمینی در دوران حکومت امام زمان(عج) تصریح شده است که بررسی آنها مجال دیگری را می طلبد. نمونه ای از برکت الهی در قرآن کریم را می توان در این آیه مشاهده نمود (... كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (بقره: ۲۶۱) اگر در دوران حاکمیت امام زمان(عج) با برکت هایی از این دست و در چنین مقیاسی روبرو باشیم، جامعه جهانی، شاهد وفور نعمت و رشد اقتصادی فوق حدّ تصویری خواهد بود که در نگاه ابتدایی، بیشتر حالتی رؤیایی و افسانه ای را تداعی می کند.

ناگفته پیداست که ظهور این چنینی برکات آسمان و زمین، نقش مستقیم و غیرمستقیم، در رونق خزانه امام زمان(عج) خواهد داشت؛ چراکه از یکسو ارزش افزوده در زمینه انفال و عرصه های عمومی را در پی خواهد داشت که خود، باعث رشد درآمدی حکومت خواهد شد و از سوی دیگر با رونق یافتن زندگی سطح بیشتری از جامعه، هم نیازها به بیت المال رو به کاستی می گذارد و هم درآمد بیت المال، آمار رو به رشدی را شاهد خواهد بود. به عنوان نمونه به این عبارت ها می توان اشاره نمود.

امام باقر(ع):

تجمع الیه اموال الدنيا کلها ما فی بطن الارض و ظهرها.

امام صادق(ع):

تظهر الارض کنوزها حتی یراها الناس علی وجهها.<sup>۱۶</sup>

### خزانه آباد

امام زمان(عج) از یکسو طبق معمول، از خزانه ای برخوردار است که مأمور تحویل و توزیع اموال عمومی است؛ همان گونه که در برخی روایات از عبارت «يقول للسادن» استفاده شده است که اشاره به خزانه دار حضرت دارد؛ و از سوی دیگر همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد، خزانه امام زمان با رونق و آمار رو به رشد

روبروست. در روایات متعددی به فراوانی اموال در این دوران تصریح شده است که خزانه آباد حکومت را نوید می دهد:

رسول الله (ص) [اهل تسنن]:

المال کدس (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۹۳-۹۴، ح ۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق (الف): ۱۳۵، ح ۹۹)؛

المال کدوس (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۷۹، ح ۴۰۵؛ ۳۲۴، ح ۴۶۸)؛<sup>۱۷</sup>

یکثر المال و یفیض (قشیری، بی تا: ج ۳، ۸۴).<sup>۱۸</sup>

امام باقر(ع):

یوسع الله علی شیعتنا.<sup>۱۹</sup>

در گزارش های متعدد شیعه و اهل تسنن هم عبارات گویای رونق خزانه امام به چشم می خورد:

امام باقر(ع):

یعطی شیئا لم یعط احد کان قبله.

رسول الله (ص) [اهل تسنن]:

یفیض المال فیضا؛<sup>۲۰</sup>

یحثی المال حثیا لایعدّه عدّا؛<sup>۲۱</sup>

یقسم المال و لایعدّه؛<sup>۲۲</sup>

یحثی له فی ثوبه ما استطاع ان یحمل.<sup>۲۳</sup>

البته در روایات، نشانی از دخالت حضرت، به عنوان یک شهروند در تولید ثروت، یافت نشد. این می تواند به جهت عدم احتیاج به چنین مسئله ای یا مستند به مشغله بالای حضرت، با توجه به اقتضائات حکومت جهانی ایشان باشد.

روشن است که چنین خزانه آباد و اموال فراوانی محصول گذر زمان و به بار نشستن نکاتی است که پیش از این بیان شد وگرنه امام زمان(عج) در ابتدای قیام و ظهور از نظر اقتصادی، با مشکل روبروست و نیازمند مساعدت و یاری سرمایه داران دین دار است:

اذا قام یحرم علی کلّ ذی کنز کنزه حتی یأتی به یستعین به علی عدوّه؛<sup>۲۴</sup>

انما یکون هذا اذا قام قائمنا فانه یقسم بالسویة و یعدل فی خلق الرحمان؛<sup>۲۵</sup>

فیحمل الیه ما عنده فما بقی من ذلک یستعین به علی امره؛<sup>۲۶</sup>

اسحق بن عمار: كنت عند ابي عبدالله فذكر مواساة الرجل لأخوانه و ما يجب لهم عليه فدخلني من ذلك امر عظيم عرف ذلك في وجهي فقال: «انما ذلك إذا قام القائم، وجب عليهم ان يجهزوا اخوانهم و ان يقوؤهم» (صدوق، ۱۴۰۲ق: ۳۶، ح ۳).

### توزیع

براساس روایات، امام زمان(عج) از سه اصل راهبردی در بخش اداره توزیع ثروت عمومی بهره می برد که هر یک از آنها دارای ریشه های عمیق در سیره و سنت رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و نیز سایر اهل بیت(ع) است که بررسی آنها مجال بسیار وسیع را می طلبد. در مجموع، این سه اصل راهبردی عبارتند از:

الف) نگاه محوری به توزیع؛

ب) مساوات نه جایگاه؛

ج) توزیع کریمانه.

### ۱. نگاه محوری به توزیع

پیش از این توضیح داده شد که در بخش تولید، سیاست اسلام بر نگاه به توزیع ثروت است. این نگاه بر حکومت اسلامی نیز حاکم است. حکومت اسلامی و حاکم مسلمان، حق ندارد اموال عمومی را در اختیار گرفته و بنی امیه گونه از پرداخت آن به مردم به هر بهانه ای جلوگیری کند. سیره رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) نیز همین گونه بود و سیره امام زمان(عج) نیز بر مبنای روایات موجود همین است. در روایات موجود، از عباراتی همچون «یعطی» «یحثو» «یحثی» «يقول للسادن» درباره بیان رفتار حضرت، بارها استفاده شده است که گویای محوری بودن توزیع از منظر حکومت امام زمان(عج) است و حکومت، اموال عمومی را نه برای خود نگه می دارد و نه در آنها دخل و تصرفی، حتی با نگاه تولیدی، می نماید.

### ۲. مساوات نه جایگاه

امام زمان(عج)، بیت المال را میان مردم تقسیم می کند

رسول الله (ص) [اهل تسنن]:

يقسم بينهم فيئهم.<sup>۲۷</sup>

براساس روایات متعدد، یکی از اصول راهبردی توزیع اموال عمومی در حکومت امام زمان(عج)، توزیع به مساوات است نه براساس جایگاه و منصب و عناوین افراد و شخصیت ها. در روایات متعددی، که قریب به

اتفاق آنها مربوط به اهل تسنن است، عبارت هایی همچون «یقسم المال بالسویه»<sup>۲۸</sup> و «یقسم المال صحاحا»<sup>۲۹</sup> به کار رفته است که به روشنی گویای تقسیم مساوی اموال میان مردم است.

هرچند عموم این روایات، مربوط به اهل تسنن است ولی نوع رفتار امیرالمؤمنین(ع) و نیز برخی از خطبه های ایشان، صراحت در مراعات اصل مساوات در پرداخت های عمومی دارد.<sup>۳۰</sup>

مساوات در بیت المال لاقلاً یک پیامد عمده با عنوان «خشنودی عمومی» دارد. تقسیم یکسان بیت المال میان تمامی افراد جامعه (بدنه و خواص) رضایت همگانی را در پی خواهد داشت. در برخی روایات هم عبارت «یرضی عنه ساکن السماء و الارض»<sup>۳۱</sup> به چشم می خورد که می تواند به این نکته اشاره داشته باشد. خشنودی عمومی، منشأ خیراتی خواهد بود که رونق بیشتر خزانه امام زمان(عج)، و بالاتر رفتن میزان اعتماد عمومی به سیاست های اقتصادی حضرت، از آن جمله است؛ بنابراین رضایت برآمده از مساوات، نقش مستقیمی در استحکام پایه های حکومت دارد. باید در نظر داشت که این مساوات، تنها در محدوده مصرف بیت المال است و منافاتی با تفاوت درآمد اشخاص از منظرهای دیگر ندارد. چنان چه بخشی از درآمد زکات، به کارگزاران آن می رسد و نیمی از درآمد خمس، ملک سادات است.

پرسشی که در این جا پیش می آید این است که سیاست اقتصادی حضرت در برابر موارد ویژه مثل مشکلاتی که در زندگی افراد رخ می دهد همچون بیماری های خاص یا حوادثی همانند آتش سوزی یا هزینه هایی نظیر مسکن چیست؟

در پاسخ باید گفت: هرچند در روایات، مطلب صریحی در این زمینه یافت نشد ولی از یکسو طبق برخی روایات، نشانی از بیماری های خاص در روزگار حاکمیت امام زمان(عج) نیست و از سوی دیگر با توجه به فراوانی و ارزانی اموال و پرداخت های مالی قابل توجه حکومت - که پس از این نیز اشاره هایی به آن خواهد شد - این موارد بار مالی چندانی بر خانواده ها نخواهد داشت و از سوی سوم با تأکید اسلام بر روحیه تکافل و همگرایی و همپوشانی اجتماعی، باز از بار مالی ماجرا کاسته خواهد شد. روشن است که حکومت نیز خود را در برابر این موارد، موظف و مکلف می داند. در روایتی لاقلاً مرسل، به این نکته تصریح شده است.

رسول الله(ص):

فیقول یا مهدی اعطنی فیقول خذ.

مشابه آن در روایتی ضعیف السند از اهل تسنن. هم چنین در دو روایت دیگر از اهل تسنن این نکته به چشم می خورد:

يقسم المال بالسوية و يعيد الله الغنى فى قلوب هذه الامة فيجيبى الرجل فيسأله فيقول انطلقا به السادن يعنى الخازن فيحثو له فى حجره يقول حسبى ما وسع امة محمد فيردّه فيقول لا حاجة لى فيه فيقال له انا لا نرجع فى شئى امضيناه (ابن طاووس، ١٤١٦ق: ٢٩٧، ح ٤١٨؛ اربلى، ١٤٠٥ق: ج ٣، ٢٧٤)؛

فينادى مناد: من له الىّ من حاجة؟ فلا يجيبه احد من الناس الا انسان واحد فيقول له خذ فيحثو فى ثوبه ما لا يستطيع حمله فيقول احمل علىّ فيأبى عليه فيخفف منه حتى يصير بقدر ما يستطيع ان يحمله فيقول ما كان فى الناس اجشع نفسا من هذا فيرجع الى الخازن فيقول انه قد بدا لى ردّه فيأبى ان يقبله فيقول انا لا تقبل ممن اعطيناه (طبرى، ١٤١٣ق: ٤٧١-٤٧٢، ح ٦٧؛ ابن طاووس، ١٤١٦ق: ٣٢٢-٣٢٣، ح ٤٦٥).

نکته اى که نباید دور از نظر بماند اين که طبق روايتى مهمل، امام زمان(عج) حق عدم رعايت مساوات را نيز دارد. امام صادق(ع):

إذا رأيت القائم أعطى رجلا مائة الف و أعطى آخر درهما فلايكبر فى صدرک فان الامر مفوض اليه (صفار، ١٤٠٤ق: ٤٠٦، ح ١٠).

این نکته درباره اميرالمؤمنين(ع) نيز نقل شده است. امام باقر(ع):

ان عليا كان فيما ولى بمنزلة سليمان بن داود قال الله تعالى امنن أو أمسك بغير حساب (همو: ٤٠٥، ح ٩).<sup>٣٢</sup> گذشته از ايراد سندى، و با توجه به معصوم بودن حضرت، مى توان گفت: هرچند کم و كيف تقسيم اموال بيت المال، موکول به امام و صلاحديد ايشان است ولى در مقام عمل، حضرت از همان سياست تقسيم مساوى، پيروى مى نمايد.

### ٣. توزيع کریمانه

از خصوصيت هاى انسان کریم، گشاده دستى و نگاه نکردن به ميزان نياز افراد است. گذارى در سيره اهل بيت(ع) - که براساس زيارت جامعه «عادتکم الإحسان و سجيتکم الکرّم» - گواهى گویا بر نوع برخورد ايشان با اموالى که در اختيار داشتند و مردمی که به آنها رجوع مى کردند مى باشد. رفتار رسول الله(ص) با اموال امّ المؤمنین خديجه کبرى(ع) به گونه اى که حتى یک کفن برای ايشان باقى نماند؛ رفتار صدیقه طاهره(ع) با فدک که هيچ گاه سطح زندگى ايشان را از یک خانه و خانواده عمومى، بالاتر نبرد؛ رفتار اميرالمؤمنين(ع) با چاه ها و نخلستان هاىی که با دست خود آباد کرده بود؛ رفتار امام مجتبى(ع) با مراجعه کنندگان به منزل ايشان و تقسيم چند باره اموال و دارائى ها؛ و... مجموعه اى غيرقابل خدشه و مضمونى متواتر از اخلاق کریمانه اهل بيت(ع) را به نمايش مى گذارد.

ممکن است اشکال شود تمامی این رفتارها نسبت به اموال شخصی است وگرنه اهل بیت(ع) آن جا که پای اموال عمومی در میان است، هیچ گونه نرمش و بخششی نشان نمی دهند. رفتار امیرالمؤمنین(ع) با تصرف کنندگان در غنائم یمن در عهد رسول الله(ص)؛ رفتار ایشان با برادرش عقیل؛ گفتار ایشان درباره غارت گران بیت المال پس از انتخاب مردمی برای حکومت؛ و مواردی دیگر، مصادیق بارز واکنش سخت گیرانه در برابر بیت المال است.

در پاسخ می توان گفت: هرچند شدت و سخت گیری و احتیاط در اموال عمومی، هم سیره اهل بیت(ع) است و هم سفارش ایشان، ولی این منافاتی با رعایت شأن کرامت درباره امام زمان (عج) ندارد. توضیح آن که: پیش از این بیان شد که خزانه امام زمان(عج) با وفور اموال و نقدینگی بالا روبروست و حاکم کریم، چنین خزانه پر برکت و پر درآمدی را از مردم دریغ نمی دارد و به پرداخت سهم معینی از بیت المال به هرکس اکتفا نمی کند. نگاه حاکم کریم به رفع نیازهای اولیه و ضروری مردم نیست و زندگی آبرومندانه و با برکت رعیتش، دغدغه اوست؛ بنابراین در عین مراعات بیت المال و اموال عمومی، شأن کرامت خود را نیز در نظر می گیرد: امام باقر(ع) در روایتی قابل تصحیح می فرماید:

يعطى شيئا لم يعط احد كان قبله.

همچنین براساس روایت مهمل دیگری از امام باقر (ع)، پرداخت مالی حضرت از بیت المال، بالاتر از توقع عمومی و نظام رایج است:

فيعطيكم في السنة عطاءين و يرزقكم في الشهر رزقين.<sup>۳۳</sup>

آن چه این برداشت را تقویت می نماید این که در برخی روایات - که پیش از این به آنها اشاره شد - مشاهده می شود امام از پس گرفتن اموال پرداخت شده امتناع می ورزد.

دقت

در روایات فراوانی به دست و دلبازی و گشاده دستی امام زمان(عج) تأکید شده است:

يأتيه الرجل فيحثو له؛

فيحتى له في ثوبه ما استطاع ان يحمل؛

فيحثو في حجره؛

خليفة يحثي المال حثيا لا يعده عدًا؛

يحثو المال حثوا لا يعده عدًا؛

يكون عطاءه حثيا (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۵)؛<sup>۳۴</sup>

يعطى الحق بغير عدد؛

يقسم المال و لا يعده؛

يأتيه الرجل فيسأله فيقول له خذ فيبسط الرجل ثوبه فيحشي فيه ثم يجمع اليه اكنافها فيأخذة ثم ينطلق. ولی مشکل تمامی این روایات آن است که متعلق به منابع اهل تسنن هستند. قابل توجه تر آن که افرادی همچون بخاری و مسلم که رغبتی به نقل روایات مهدوی ندارند به نقل روایات یاد شده درباره ولخرجی های خلیفه آخرالزمان یا حضرت عیسی (ع) یا امیر مردم، تمایل و رغبتی تأمل برانگیز از خود نشان داده اند. این نکته در کنار خالی بودن منابع شیعی از این دست روایات، حقانیت چنین مضمون و محتوایی را با تردید جدی روبرو می سازد. این چنین به نظر می رسد که ریخت و پاش های غیر قابل توجیه عثمان بن عفان و حزب اموی طرفدار وی نسبت به بیت المال از یکسو<sup>۳۵</sup> و نبود هیچ ملاک معقول و مشروعی برای تعیین سقف پرداختی ها و نیز استناد غیرمستقیم چنین رفتار ناشایستی به خلیفه دوم که از یکسو پشتیبان معاویه به شمار می آمد و از سوی دیگر مهم ترین عامل بر سر کار آمدن عثمان بود؛ جبهه فرهنگی اهل تسنن را وادار به واکنش منفعلانه نمود که یک بعد آن دستبرد به آینده و روایات مرتبط به روزگار رهایی بود. این جبهه با ساخت و ترویج چنین روایاتی تلاش دارد حتی با به پیش کشیدن سیره خلیفه آخرالزمان که قرار است زمین را پر از عدل و داد نماید و از ستم تهی گرداند، رفتار غیر اسلامی - غیر انسانی عثمان و طرفداران وی را عین حق و عدالت جلوه دهد؛ بنابراین به چنین روایاتی که بعضاً با همان وسائط اهل تسنن به منابع شیعی نیز رخنه نموده، باید با دیده اتهام نگریست.

## ۲. مبارزه با فساد

یکی از مهم ترین سیاست های راهبردی در هر زمینه ای، مبارزه با فساد است که بخش اقتصاد و نظام اقتصادی نیز مستثنی و مستغنی از آن نیست. تا زمانی که ریشه های فساد، خشکانده نشود؛ حرکت اقتصادی به نتیجه مطلوب خود نخواهد رسید. مبارزه با فساد، محتاج فعالیت در دو زمینه است: درگیری با مفسدان؛ و از بین بردن بسترها و انگیزه های فساد.

در زمینه نخست، وجود دستورات شارع در قرآن و سنت اهل بیت، برای ترسیم نمایی از سیره و سنت امام زمان(عج) در این باره کافی به نظر می رسد؛ گذشته از آن که در برخی روایات، به یک نمونه عملی از برخورد امام زمان(عج) با مفسدان اقتصادی تصریح شده است.

امام باقر(ع):

قل لهم قال لكم أبو جعفر: كيف بكم لو قد قطعت أيديكم و أرجلكم و علقتم في الكعبة ثم يقال لكم نادوا نحن سراق الكعبة. فلما ذهب لأقوم قال: إنني لست أنا أفعل ذلك و إنما يفعله رجل مني.<sup>۳۶</sup>

امام صادق(ع) فرمود:

قطع أیدی بنی شیبۃ السراق و علّقها علی الکعبۃ.<sup>۳۷</sup>

درباره زمینه دوم هم نوع سیره اقتصادی امام زمان(عج) و جریان‌های تدریجی و مستمر این سیره، کار را به جایی خواهد رساند که انگیزه‌های فساد، خود به خود و اندک اندک، از بین خواهد رفت. در اینباره در بخش پیامدهای سیاست‌های اقتصادی (عنوان: احساس بی‌نیازی) نیز مطالبی خواهد آمد.

### ب) سیاست‌های شخصی

امام زمان(عج) در کنار سیاست‌گذاری‌های کلان و عمومی اقتصادی، یک سری سیره‌های اقتصادی مخصوص به خود نیز دارند که براساس روایات موجود، تفاوت ماهوی با سیاست‌گذاری‌های عام دارند. روایات در این زمینه به خوراک و پوشاک امام زمان(عج) و ویژه بودن آنها تصریح دارند.

امام صادق(ع) فرمود:

لبس ثياب علیّ و سار بسیرة علیّ؛<sup>۳۸</sup>

لبس الخشن و أكل الجشب؛<sup>۳۹</sup>

إذا قام قائمنا كان هذا اللباس.<sup>۴۰</sup>

امام رضا(ع) فرمود:

ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب.<sup>۴۱</sup>

حتی بر پایه برخی روایات، این سیره عملی تمامی اهل بیت(ع) در فرض رسیدن به منصب حاکمیت است.

امیرالمؤمنین(ع):

إن الله عزوجل فرض علی أئمة العدل أن یقدروا أنفهم بضعفة الناس کی لا یتبیغ بالفقیر فقره.<sup>۴۲</sup>

پرسش این جاست که: با توجه به رفاه عمومی فراگیر در زمان حاکمیت امام زمان(عج) که پس از این ذکر خواهد شد، زندگی سخت‌گیرانه و نه ساده آن حضرت، چه توجیهی دارد؟

در پاسخ می‌توان به یکی دو نکته اشاره داشت:

۱. این روایات، ناظر به دوران ابتدایی حاکمیت امام زمان(عج) است که حضرت هنوز به اهداف حکومت خویش نرسیده است و بخش فراوانی از مردم هم‌چنان با انواع مشکلات دست به‌گریبان هستند. دقت در متن کامل روایات ذکر شده مؤید خوبی برای این احتمال است.

۲. این روایات می‌تواند ناظر به تمامی دوران حاکمیت حضرت باشد اما با توجه به یکی از تحلیل‌های زیر:



- اصرار حضرت بر چنین رویه ای در زندگی، به خاطر نقش آن در حفظ صحت و تندرستی انسان و تناسب آن با سلامت جسمی و روانی اوست. برای تأیید این نکته باید در نظر داشت: از یکسو با تأکید اسلام بر حفظ سلامت جسمی و روانی و از سوی دیگر با زندگانی سخت رسول الله (ص) یا امیرالمؤمنین (ع) روبرو هستیم. روشن است که معصوم (ع)، بیش و پیش از هر شخص دیگری خود را موظف به حفظ سلامتی خود می داند؛ چراکه هم دستور شارع را بیش از دیگران درک می کند و هم به نقش سلامتی خود در پیشبرد اهداف امامت کاملاً آگاه است. چنین شخصیتی هیچ گاه به خاطر مراعات ضعفا و امثال آن، به خود ضرر نمی رساند. امام مأمور به جمع میان تکالیف مختلف است؛ بنابراین از یکسو به وظیفه امامت یا حاکمیت خود عمل می نماید و از سوی دیگر سلامت جسم و روان خویش را نیز مدّ نظر دارد و از آن غافل نمی شود؛ در غیر این صورت چنین امامی آن قدر ضعیف و نحیف خواهد شد که قدرت شمشیر به دست گرفتن را هم نخواهد داشت، چه برسد به این که بخواهد در سه جنگ خانمان برانداز، چنان بی بدیل و بی رقیب به مبارزه و جهاد پردازد! این سیره دقیقاً مطابق دستور خداوند متعال است که می فرماید:

(وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (اسراء: ۲۹).

بنابراین نمی توان برخی رفتارهای ویژه اهل بیت (ع) را که در مواقعی خاص صورت گرفته و دلیلی بر تکرار آنها در دست نیست، ملاک قرار داد و زندگانی اهل بیت (ع) را با اینار و از خودگذشتگی صددرصدی نگاه کرد. - درست است که جامعه با رفاه عمومی روبروست ولی هم چنان که پس از این خواهد آمد با قناعت و ساده زیستی هم بیگانه نیست. بر همین اساس این گونه زندگی امام زمان (عج)، با قناعت و ساده زیستی عمومی همسو است.

### پیامدهای سیاست های اقتصادی حکومت مهدوی

پس از ذکر سیاست های اقتصادی امام زمان و نحوه اجرای آنها، نوبت به بررسی دستاوردها و پیامدهای آن می رسد. پیامدهای آن چه ذکر شد را به سادگی می توان حدس زد و در یک کلمه از آن با عنوان «امنیت اقتصادی و رفاه عمومی» یاد نمود؛ یعنی همان چیزی که رسالت اقتصادی امام زمان (عج) را تشکیل می داد. در همین راستا یادآوری یک نکته، ضروری می نماید: امیرالمؤمنین (ع) در طول حکومت کمتر از پنج ساله خویش با سه جنگ روبروست که در کنار تمامی عواقب و پیامدهای آنها، از نظر اقتصادی هم هزینه های کمرشکن این جنگ ها نیز بار مالی بسیار بالایی بر بیت المال امیرالمؤمنین (ع) تحمیل می نماید. اما امیرالمؤمنین (ع) در کنار تلاش برای تأمین این هزینه ها با افتخار بیان می دارد که در حکومت ایشان مردم کوفه از نعمت آب آشامیدنی سالم و نان گندم برخوردارند.<sup>۴۳</sup> این حاکی از تأثیر حکومت دینی امام معصوم در رفاه اقتصادی مردم در هر شرائطی

است. حال اگر این حکومت دینی، با امنیت سیاسی همراه شود امنیت اقتصادی و رفاه عمومی، از کمیت و کیفیتی غیرقابل تصور برخوردار خواهد بود. گذشته از این نتیجه گیری طبیعی و پیامد منطقی، در روایات نیز به دستاوردهایی اشاره شده است که کاملاً همان نتیجه منطقی را تأیید و تقویت می نمایند. این دستاوردها عبارتند از:

الف) ثروتمندی عمومی؛

ب) احساس بی نیازی؛

ج) ارزانی اموال و خدمات رایگان؛

د. تعطیلی برخی از ردیف های بودجه.

### *الف) ثروتمندی عمومی*

در چند روایت به تمکن مالی عموم مردم در دوران حاکمیت امام زمان(عج) تصریح شده است:  
رسول الله (ص):

تعیش امتی فی زمانه عیشا لم تعشه قبل ذلک (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۴)؛

یغنم الناس حتی لایحتاج احد احدا (طبرسی، ۱۴۱۳ ق: ۴۷۱-۴۷۲، ح ۶۷)؛

یبعثه الله غیاثا للناس تنعم الامة (اربلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۳، ۲۷۰)؛

تنعم امتی فی دنیاہ نعما لم تنعم مثله قط البر منهم و الفاجر؛<sup>۴۴</sup>

تنعم امتی فی ولایتہ نعمة لم تنعم بمثلها قط (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۳۲۴، ح ۴۶۸).<sup>۴۵</sup>

هرچند تمامی این روایات، مربوط به منابع اهل تسنن است ولی مجموعه مطالبی که در بخش های پیشین گذشت، مضمون این روایات را تقویت و تثبیت می نمایند.

### *ب) احساس بی نیازی*

روشن است که چنین تنعم و برخوردارگی کار را به جایی خواهد رساند که مردم کم کم به بی نیازی خواهند رسید تا آن جا که طبق روایات معتبر اهل تسنن:

لیدعون الی المال فلا یقبله احد (قشیری، بی تا: ج ۱، ۹۴؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۴۹۳-۴۹۴؛ ابن حبان،

۱۴۱۴ ق: ج ۱۵، ۲۲۷)؛

یفیض المال حتی لایقبله احد.

و در تعبیر دیگری که در روایتی با سند مهمل نقل شده است.

امام صادق(ع):

استغنی الناس بما رزقهم الله من فضله (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق (ب): ۴۶۷-۴۶۸، ح ۴۸۴). از دیگر سو و با توجه به این که اصل حرکت امام زمان (عج) را بعد معنوی و روحانی آن تشکیل می دهد در سایه چنین حکومت و سیاستی، اندک اندک، مردم به رشد معنوی روی آورده و به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» و «الناس بملوکهم شبه منهم بآبائهم» سیر در آفاق و انفس به رویکرد عمومی جامعه تبدیل خواهد شد. از نتایج طبیعی چنین فضا و حیاتی، رویگردانی از زندگی این دنیایی است (وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ) (عنکبوت: ۶۴). در برخی روایات ضعیف السند اهل تسنن هم به این نتیجه منطقی حکومت امام زمان (عج) تصریح شده است که بی نیازی، سر از قلب مردم در می آورد و مردم به احساس بی نیازی دست می یابند:

فيملاً الله قلوب أمة محمد غني؛

يعيد الله الغني في قلوب هذه الأمة (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۷، ح ۴۱۸؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۴). ممکن است توهم شود ریشه دواندن احساس بی نیازی به دل های مردم، چه ارتباطی با سیاست های اقتصادی امام زمان (عج) دارد؟ به دیگر بیان: چگونه می توان احساس بی نیازی مردم را از دستاوردهای حرکت اقتصادی امام زمان (عج) به شمار آورد؟

در پاسخ، یکی دو نکته را یادآور می شویم:

۱. در جامعه ای که در اثر استقرار حکومت حق و اجرای سیاست های صحیح آن، مردم به ثروتمندی عمومی دست یابند، با توجه به دست یافتن و رسیدن به امنیت اقتصادی، حرص و ولع و تلاش برای بیشتر داشتن و افزودن بر دارائی، ارزش و جایگاه خود را از دست می دهد و دیگر، معنایی نخواهد داشت. دقیقاً همانند فردی که در کنار رودخانه ای از آب شیرین و گوارا زندگی می کند. ذخیره سازی آب برای چنین فردی هیچ معنا و مفهومی ندارد. در بحث ما نیز با وجود فراوانی نعمت و ثروت، به صورت ناخودآگاه، احساس بی نیازی در قلب افراد حاکم می شود و از فضای زندگی برای کسب و کار - که معضل عموم جوامع روزگار ما را شکل می دهد - فاصله می گیرند.

۲. در روایاتی که به عنوان شاهد بحث ذکر شد، میان این تعبیر و مساوات در تقسیم، جمع شده است:

يقسم المال صحاحا... فيملاً الله قلوب أمة محمد غني؛

يقسم المال بالسوية... يعيد الله الغني في قلوب هذه الأمة.

این نکته نیز می تواند گویای ارتباط عمیق میان مطلبی باشد که ذیل شماره (۱) بیان شد. همچنین به کار رفتن عباراتی دو پهلو همانند «استغنی الناس» که می تواند هم اشاره به فراوانی نعمت و هم ناظر به استغنا قلبی مردم باشد، مؤید تأثیر سیاست های اقتصادی امام زمان (عج)، در شکل گیری چنین باور قلبی است.

۳. نکته دیگری که نباید از آن غافل شد و نقش آن در احساس بی‌نیازی مردم، غیرقابل انکار است، برکت ویژه ای است که در اموال خزانه امام وجود دارد. طبق یک روایت مرسل از اهل تسنن، آن چه از امام زمان (عج) به مردم می‌رسد، گوارا است و برکت ویژه ای دارد:

رسول الله (ص) [اهل تسنن]:

المهدی یکون عطاءه هنیئا.<sup>۴۶</sup>

چنین عائدی و درآمدی، طبیعتاً انسان را قانع و با مناعت طبع بالا بار می‌آورد و انگیزه‌های حرص و ولع را در انسان فروکش می‌سازد.

در تقویت و تقریب این نکته، فراموش مان نشود که یکی از محورهای قرآن در سوره‌های مکی، تأکید بر روزی حلال و حلیت روزی است. روشن است که انسانی که در مسیر هدایت قرار می‌گیرد، با روزی حلال است که می‌تواند حرکت در آن مسیر را ادامه دهد و به حکم «الطبیات للطیبین» میان روزی حلال و بقاء بر هدایت، تلازم وجود دارد. همین‌طور میان استفاده از اموال گوارا و با برکت امام زمان (عج) و احساس بی‌نیازی و قناعت و مناعت طبع، ارتباط منطقی و تلازم برقرار و حاکم است.

۴. همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر شد، در سایه سیاست حاکم بر حکومت امام زمان (عج)، نگرش مردم، تغییر می‌کند و از نگاهی مادی‌گرا و ثروت‌اندوز و با دغدغه‌های این دنیایی به انسانی معناگرا و آخرت‌طلب و خدامحور تبدیل می‌شود. در چنین فضایی و با چنین تدبیری، انگیزه‌های اقتصادی، حرکتی نزولی و رو به کاهش را شاهد خواهند بود.

### ج) ارزانی اموال و خدمات رایگان

از مضمون روایتی از اهل تسنن، می‌توان ارزانی اموال را در دوره حکومت امام زمان (عج) به دست آورد:

یکون الفرس بدریهمات.<sup>۴۷</sup>

شایان ذکر است که وفور نعمت و نیز اقتدار سیاسی امام زمان (عج) نیز تأثیر مستقیمی در تثبیت و ارزانی قیمت‌ها دارند؛ بنابراین وجود روایات متعدد درباره فراوانی ثروت، پشتوانه محکمی برای همین شاهد روایی به شمار می‌آید.

درباره خدمات رایگان هم در یک روایت، چنین می‌خوانیم.

امام باقر (ع):

علی رأسها مکتل فیه برّ تآتی تلک الأرحاء فتطحنه بلا کراء.<sup>۴۸</sup>

البته در برخی منابع حدیث دوم، به جای عبارت «بلا کراء» عبارت «بکربلاء» مشاهده می شود (طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۴۶۸-۴۶۹، ح ۴۸۵) که با بررسی متن دو روایت، عبارت «بلا کراء» درست تر به نظر می رسد.

همچنین در روایات، به رونق ساخت و سازهای خدماتی در این زمان اشاره شده است که خود، خبر از خزانۀ آباد امام زمان می دهد. در این زمینه می توان به ساخت مسجدی به هزار درب در نجف، حفر کانال آب از کربلا به سوی نجف و ساخت پل ها و آسیاب ها، تخریب و بازسازی مسجدالحرام و مسجدالنبی، و ساخت مساجدی در قسطنطنیه و اماکن دیگر اشاره داشت.

#### (د) پایان قشر آسیب پذیر

با وفور نعمت و احساس بی نیازی مردم و ارزانی اموال، کم کم و به صورت طبیعی، بستر برای برخی از مصادیق خیر، تنگ و تنگ تر می شود تا آن جا که حتی فرض تعطیلی برخی از خیرات، امری متصور و معقول خواهد بود. در دو روایت نه چندان معتبر از امام صادق(ع) به وقوع این مسئله متصور و معقول، تصریح شده است:

لیأتین علیکم وقت لایجد احدکم لدیناره و درهمه موضعا.<sup>۴۹</sup>

و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و يأخذ عنه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه ذلک (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۱).  
در تعدادی از روایات اهل تسنن نیز به این نکته تصریح شده است:

یأتیه الرجل فیحیی له فی حجره یهمه من یقبل منه صدقة ذلک المال بینه و بین اهله مما یصیب الناس من الفرج؛ حتی یهم ربّ المال من یقبل صدقته و حتی یعرضه فیقول الذی یعرضه علیه لا ارب لی؛

یطوف الرجل فیہ بالصدقة من الذهب ثم لایجد احدا يأخذها منه؛

یطلب الرجل من یصله بماله و يأخذ منه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه؛

یکون عیسی فی امتی حکما عدلا و إماما مقسطا فیدقّ الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیة و یتربک الصدقة و لایسعی علی شاة و لاتبقی بقرة.

حتی در برخی روایات از منابع معتبر اهل تسنن به تعطیلی برخی از خیرات، از سوی خلیفه آخرالزمان تصریح شده است:

لا تقوم الساعة حتی یکثر فیکم المال فیفیض حتی یهم رب المال من یقبل صدقته و حتی یعرضه فیقول الذی یعرضه علیه لا ارب لی (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۱۱۳)؛

ليأتين على الناس زمان يطوف الرجل فيه بالصدقة من الذهب ثم لا يجد احدا يأخذها منه (همو: ج ۲، ۱۱۴؛ قشيري، بی تا: ج ۳، ۸۴)؛

حتى يخرج الرجل بزكاة ماله فلا يجد احدا يقبلها منه (همو: ج ۳، ۸۴)؛

تصدقوا فانه يأتي عليكم زمان يمشى الرجل بصدقته فلا يجد من يقبلها يقول الرجل لو جئت بها بالامس لقبلتها فاما اليوم فلا حاجة لي بها (بخاری، ۱۴۰۱ ق: ج ۲، ۱۱۳؛ قشيري، بی تا: ج ۳، ۸۴).

همان گونه در برخی از روایات تصریح شده بود، بستر صدقه واجب (زکات) در دوران حکومت امام زمان (عج) رو به جمع شدن می نهد. اطلاق برخی دیگر از روایات، می تواند این حکم را به صدقات مستحب نیز تعمیم داده آنها را نیز شامل شود.

### نتیجه گیری

در این مقاله، روایات اقتصادی مربوط به حکومت امام زمان (عج) مورد بررسی قرار گرفت. مفاد این روایات، در سه بخش رسالت و سیاست و پیامد، دسته بندی گردید. در بخش رسالت، مهم ترین رسالت اقتصادی حضرت، برقراری امنیت اقتصادی ذکر شد و در بخش سیاست هم آن چه یافت شد در دو بخش سیاست عمومی و سیاست شخصی گنجانده شد. در بخش سیاست عمومی، عناوین مدیریت دریافت با دو زیر مجموعه منابع مالی که شامل درآمدهای مردمی و برکات آسمانی و زمینی بود و خزانه آباد ذکر گردید و وفور درآمدهای حکومتی و فراوانی اموال خزانه امام زمان (عج) نتیجه گرفته شد؛ و مدیریت توزیع، با سه زیر مجموعه نگاه محوری به توزیع، مساوات نه جایگاه، و توزیع کریمانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و براساس آن نگاه محوری حکومت امام زمان (عج) به توزیع و نه انباشت بیت المال و توزیع براساس مساوات و نیز کریمانه و زائد بر نیازهای ضروری افراد نتیجه گیری شد. دومین سیاست اقتصادی امام زمان (عج) هم مبارزه با فساد بود. در بخش سیاست شخصی، به زندگی اقتصادی خود حضرت پرداخته شد و معیشت ساده و سخت گیرانه حضرت، مورد اشاره و تحلیل قرار گرفت. در آخرین بخش مقاله هم پیامدهای سیاست های حضرت از روایات، استخراج گردید که عبارت بودند از ثروتمندی عمومی، احساس بی نیازی، ارزانی اموال و خدمات رایگان، و پایان قشر آسیب پذیر.

### منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- ابن ابی شیبیه، عبدالله، ۲۳۵ق، المصنف، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۰۹ق

- ابن حبان، ٣٥٤ق، صحيح، بي جا، مؤسسة الرسالة، دوم، ١٤١٤ق
- ابن حنبل، احمد، ٢٤١ ق، مسند، بيروت، دارصادر، بي تا
- ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم، ٢٣٨ق، مسند، مدينة منوره، مكتبة الايمان، اول، ١٤١٢ ق
- ابن شهر آشوب، محمد، ٥٨٨ق، مناقب آل ابي طالب، نجف اشرف، المطبعة الحيدرية، ١٣٧٦ق
- ابن طاووس، علي بن موسى بن جعفر، ٦٦٤ق، اقبال الاعمال، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، اول، ١٤١٤ ق
- ، التشرىف بالمنن، اصفهان، نشر نشاط، اول، ١٤١٦ ق
- ابن عدى، عبدالله، ٢٧٧ق، الكامل، بيروت، دارالفكر، سوم، ١٤٠٩ق
- ابن عساکر، علي بن حسن، ٥٧١ق، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق
- ابن ماجه، محمد بن يزيد، ٢٧٥ ق، سنن، بيروت، دارالفكر، بي تا
- ابن مشهدى، محمد، ٦١٠ق، المزار، قم، نشر قیوم، اول، ١٤١٩ق
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، ٤٣٠ ق، ذكر اخبار اصبهان، ليدن، ١٩٣٤ م
- ابويعلی، احمد بن علی، ٣٠٧ق، مسند، بيروت، دارالمأمون، بي تا
- اربلى، علي بن عيسى، ٦٩٣ق، كشف الغمه، بيروت، دارالاضواء، دوم، ١٤٠٥ق
- بخارى، محمد بن اسماعيل، ٢٥٦ق، صحيح، استانبول، دارالفكر، ١٤٠١ ق
- بستوى، عبدالعليم، المهدي المنتظر، بيروت، دار ابن حزم، اول، ١٤٢٠ ق
- -----، موسوعة فى احاديث الامام المهدي، بيروت، دار ابن حزم، اول، ١٤٢٠ق
- ترمذى، محمد بن عيسى، ٢٧٩ق، سنن، بيروت، دارالفكر، دوم، ١٤٠٣ ق
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، ٤٠٥ق، المستدرک، بيروت، دارالمعرفه، بي تا
- حر عاملی، محمد بن حسن، ١١٠٤ ق، وسائل الشيعه، قم، مؤسسة آل البيت(ع)، دوم، ١٤١٤ق
- سجستاني، ابوداود، ٢٧٥ق، سنن، بيروت، دارالفكر، اول، ١٤١٠ق
- صدوق، محمد بن علي بن حسين، ٣٨١ق، علل الشرائع، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ ق
- -----، مصادقة الاخوان، قم، ليتوگرافي کرمانی، ١٤٠٢ق
- صفار، محمد بن حسن، ٢٩٠ق، بصائر الدرجات، تهران، مؤسسه اعلمی، ١٤٠٤ق
- صنعاني، عبدالرزاق، ٢١١ق، المصنف، بي جا، بي نا، بي تا
- طبراني، سليمان بن احمد، ٣٦٠ق، المعجم الاوسط، بي جا، دارالحرمين، ١٤١٥ق
- طبرى، محمد بن جرير، ٥ق، دلائل الامامه، قم، مؤسسه بعثت، اول، ١٤١٣ق
- طوسى، محمد بن حسن، ٤٦٠ق، تهذيب الاحكام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، دوم، ١٣٦٤ش

- ، الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، اول، ١٤١١ق
- ، مصباح المتهجد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، اول، ١٤١١ق
- عياشي، محمد بن مسعود، ٣٢٠ق، تفسير، تهران، المكتبة العلمية الاسلاميه، بي تا
- قشيري، مسلم بن حجاج، ٢٦١ق، صحيح، بيروت، دارالفكر، بي تا
- قمي، علي بن ابراهيم، ق ٣، تفسير، سوم، قم، مؤسسة دارالكتاب، ١٤٠٤ق
- كليني، محمد بن يعقوب، ٣٢٨ق، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، سوم، ١٣٨٨ق
- مروزي، نعيم بن حماد، ٢٨٨ق، الفتن، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ق
- مغربي، قاضي نعمان، ٣٦٣ق، شرح الاخبار، قم، مؤسسه نشر اسلامي، دوم، ١٤١٤ق
- مفيد، محمد بن محمد، ٣٣٦ق، الارشاد، بيروت، دارالمفيد، دوم، ١٤١٤ق
- نعماني، محمد بن ابي زينب، ٣٦٠ق، الغيبة، قم، مهر، اول، ١٤٢٢ق
- هيثمي، علي، ٨٠٧ق، مجمع الزوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق
- بي نوشت ها

١ (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْقَاسِيُونَ) (نور: ٥٥).

٢ (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (قصص: ٨٣).

٣ (... إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...) (مائدة: ٨).

٤ (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.. (حديد: ٢٥).

٥ دعاء الموفق لعلی بن الحسین (ع) «اللهم انت الله رب العالمين و انت الله الرحمان الرحيم... اللهم صل على محمد و على آل محمد و صلح لنا امامنا و استصلحه و اصلح على يديه و آمن خوفه و خوفنا عليه و اجعله اللهم الذي تنتصر به لدينك اللهم املاً الارض به عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا و امنن به على فقراء المسلمين و اراملهم و مساكينهم و اجعلني من خيار مواليه و شيعة...» (طوسى، ١٤١١ ق (ب): ٤٨٩ - ٤٩٨، ح ٤٠؛ ابن طاووس، ١٤١٤ق: ج ٢، ١٠٢ - ١١١؛ ابن مشهدى، ١٤١٩ق: ٤٤٤-٤٥٧).

٦ و امر [الامام العسكري (ع)] اهل قم بذلك لما شكوا من موسى بن بغى «الحمد لله شكرا لنعمائه و استدعاء لمزيد و استخلاصا له [و استجلابا لرزقه] و به دون غيره و عيادا به من كفرانه و الحادا فى عظمته و كبريائه.. اللهم و اظهر الحق و اصبح به فى غسق الظلم و بهم الحيرة اللهم و احى به القلوب الميتة و اجمع به الالهواء المتفرقة و الآراء المختلفة و اقم به الحدود المعطلة و الاحكام المهمله و اشيع به الخصاص الساعبة و ارح به الابدان اللاغية المتعبه...» (طوسى، ١٤١١ق (ب): ١٥٦ به بعد).

٧ فمن ذلك الدعاء الذي ذكره محمد بن محمد بن ابى قرة باسناده فقال حدثنى ابوالغنائم محمد بن محمد بن عبدالله الحسنى قال اخبرنا ابوعمرو محمد بن محمد بن نصر السكونى: سألت ابا بكر احمد بن محمد بن عثمان البغدادي ان يخرج الى ادعية شهر رمضان التى كان عمه ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعيد العمري يدعو بها فأخرج الى دفترها مجلدا باحمر فنسخت منه ادعية كثيرة و كان من جملتها: و تدعو بهذا الدعاء فى كل ليلة من شهر رمضان فان الدعاء فى هذا الشهر تسمعه الملائكة و تستغفر لصاحبه و هو «اللهم انى افتتح الثناء بحمدك... اللهم المم به شعنتنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتقنا و كثر به قلتنا و اعز به ذلتنا و اغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجر به فقرنا و سدّ به خلتنا و يسر به عسرنا و بيض به وجوهنا و فكّ به اسرنا و انجح به طليبتنا و انجز به مواعيدنا و استجب به دعوتنا و اعطنا به فوق رغبتنا...» (ابن طاووس، ١٤١٤ق: ج ١، ١٢٨؛ طوسى، ١٣٦٤ش: ج ٢، ١٠٨ به بعد؛ طوسى، ١٤١١ق (ب): ٥٧٧ به بعد، ج ٤٦).

٨ عن جابر الجعفى عن ابى جعفر:.. قال اميرالمؤمنين «و يقتل يومئذ السفيانى و من معه حتى لا يترك منهم مخبر و الخائب يومئذ من خال من غنيمة كلب ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها فلا يترك عبدا مسلما الا اشتراه و اعتقه و لا غارما الا قضى دينه و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردّها و لا يقتل منهم عبد الا ادى ثمنه دية مسلّمة الى اهلها و لا يقتل قتيل الا قضى عنه دينه و الحق عياله فى العطاء حتى يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و عدوانا و يسكنه هو و اهل بيته الرحبة... (عياشى، بي تا: ج ١، ٤٤-٤٦، ج ١١٧).

٩ جالب أن كه در برخی روایات، این قانون به دوران ظهور امام زمان (عج) پیوند خورده است: «محمد بن علی بن الحسین باسناده عن أبی الحسین محمد بن جعفر الأسدی عن موسى بن عمران النخعی عن عمه الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن سالم عن أبيه - فى حديث: سألت أبا عبد الله عن الخبر الذى روى أن ریح المؤمن على المؤمن ربا ما هو؟ فقال: ذاك إذا ظهر الحق و قام قائمنا أهل البيت فأما اليوم فلا بأس بأن تبیع من الأخ المؤمن و تریح عليه» (حر عاملی، ١٤١٤ق: ج ١٧، ٣٩٧).



١٠ (وَتُجِبُونَ أَمَالَ حَبَّاً جَمًّا) (فجر: ٣٠).

١١ (الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ) (همزة: ٢).

١٢ (أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ) (تكاثر: ١).

١٣ عن عبدالاعلى الحلبي: قال ابو جعفر: يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذا الشعب... قال ابو جعفر: يقاتلون والله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيئا وحتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب ولا ينهها احد و يخرج الله من الارض بذرها و ينزل من السماء فطرها و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي... (عياشي، بي تا: ج ٢، ٥٦ به بعد، ج ٤٩؛ نعماني، ١٤٢٢ق: ١٨٧، ٣٠؛ قمي، ١٤٠٤ ق: ج ٢، ٢٠٥؛ كليني، ١٢٨٨ق: ج ٨، ٣١٢، ج ٤٨٧)

١٤ حدثنا ابي قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحسن بن علي الكوفي عن عبدالله بن المغيرة عن سفيان بن عمار بن الانصاري عن عمرو بن شمر عن جابر: اقبل رجل الى ابي جعفر و انا حاضر فقال: رحمك الله، اقبض هذه الخمسمائة درهم فضعتها في موضعها فانها زكاة مالي. فقال له ابو جعفر: بل خذها انت فضعتها في جيرانك و الايتام و المساكين و في اخوانك من المسلمين انما يكون هذا اذا قام قائمنا فانه يقسم بالسوية... و بين اهل الفرقان بالفرقان و تجمع اليه اموال الدنيا كلها ما في بطن الارض و ظهرها فيقول للناس «تعالوا الى ما قطعتم فيه الارحام و سفكتم فيه الدماء و ركبتم فيه محارم الله» فيعطى شيئا لم يعط احد كان قبله. (صدوق، ١٢٨٥ق: ج ١، ١٤١، ج ٣؛ نعماني، ١٤٢٢ق: ٢٤٣-٢٤٤، ج ٢٤٤)

١٥ حدثنا عبدالله بن مروان عن الهيثم بن عبدالرحمن قال حدثني من سمع عليا يقول: اذا بعث السفياني الى المهدي جيشا فخشف بهم بالبيداء و بلغ ذلك اهل الشام قالوا لخليفتهم قد خرج المهدي فبايعه و ادخل في طاعته و الا قتلناك. فيرسل اليه بالبيعة و يسير المهدي حتى ينزل بيت المقدس و تنقل اليه الخزانة و تدخل العرب و العجم و اهل الحرب و الروم و غيرهم في طاعته من غير قتال حتى تبنى المساجد بالقسطنطينية و ما دونها. .. (مروزي، ١٤١٤ق: ٢١٦)

١٦ روى المفصل بن عمر: سمعت ابا عبدالله يقول: ان قائمنا اذا قام اشرف الارض بنور ربها و استغنى الناس عن ضوء الشمس و ذهبت الظلمة و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له الف ذكر لا يولد فيهم انثى و تظهر الارض كنوزها حتى يراها الناس على وجهها و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و يأخذ منه زكاته فلا يجد احدا يقبل منه ذلك استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله. (مفيد، ١٤١٤ق: ج ٢، ٣٨١؛ طوسي، ١٤١١ق (الف): ٤٤٧-٤٤٨، ج ٤٨٤؛ طبرسي، ١٤١٣ق: ٤٥٤، ج ٣٧)

١٧ و نيز رك: ابن ماجة، بي تا: ج ٢، ١٣٤٤-١٣٤٧، ج ٤٠٨٢؛ مروزي، ١٤١٤ق: ٢٢٢؛ ابن حنبل، بي تا: ج ٢، ٢٢-٢٣؛ حاكم نيشابوري، بي تا: ج ٤، ٥٥٨؛ ابن عدي، ١٤٠٩ق: ج ٣، ٢٠١؛ بستوي، ١٤٢٠ق (الف): ١٧٩.

١٨ مشابه آن در بخاري (١٤٠١ق: ج ٢، ١١٢)؛ ابن راهويه (١٤١٢ق: ج ١، ٣٩٨، ج ٤٢٤)؛ ابن حنبل (بي تا: ج ٢، ٥٣٠)؛ ابويعلی (بي تا: ج ١١، ٥٣٠)؛ ابن حبان (١٤١٤ق: ج ١٥، ٧٢-٧٤).

١٩ عن عبدالاعلى الحلبي: قال ابو جعفر: يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذه الشعب... قال ابو جعفر: يقاتلون والله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيئا وحتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب و لا ينهها احد و يخرج الله من الارض بذرها و ينزل من السماء فطرها و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي و يوسع الله على شيعته و لولا ما يدركهم من السعادة لبغوا. .. (عياشي، بي تا: ج ٢، ٥٦ به بعد، ج ٤٩؛ نعماني، ١٤٢٢ق: ١٨٧، ٣٠؛ قمي، ١٤٠٤ق: ج ٢، ٥٦؛ كليني، ١٢٨٨ق: ج ٨، ٣١٢، ج ٤٨٧).

٢٠ عن عبدالرحمان بن عوف: قال رسول الله: ليعثن الله من عترتي رجلا افرق الثنايا اجلى الجبهة يملأ الارض عدلا يفيض المال فيضا (اربلى، ١٤٠٥ق: ٢٤٩-٢٧٠؛ ابن عدي، ١٤٠٩ق: ج ٣، ٤٢٣-٤٢٤).

٢١ عن ابي نصر: كنا عند جابر بن عبدالله فقال: يوشك اهل العراق ان لا يجيبى اليهم ففيز و لا درهم. قلنا: من اين ذلك؟ قال: من قبل العجم يمنعون ذاك. ثم قال: يوشك اهل الشام ان لا يجيبى اليهم دينار و لا مدى. قلنا: من اين ذلك؟ قال: من قبل الروم. ثم سكت هنيئة ثم قال: قال رسول الله: يكون في آخر الزمان خليفة يحثي المال حثيا لا يعده عدا. قلت لابي نصر: و ابي العلاء: اترى ان عمر بن عبدالعزيز؟ فقالا: لا. (قشيري، بي تا: ج ٨، ١٨٤-١٨٥؛ ابن حنبل، بي تا: ج ٢، ٢١٧؛ ابن عساکر، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢١٢-٢١٣؛ ابن حبان، ١٤١٤ق: ج ١٥، ٧٥)

٢٢ عن ابي سعيد و جابر بن عبدالله: قال رسول الله: يكون في آخر الزمان خليفة يقسم المال و لا يعده. (قشيري، بي تا: ج ٨، ١٨٥؛ ابن حنبل، بي تا: ج ٢، ٤٨-٤٩؛ ابويعلی، بي تا: ج ٢، ٤٧٠)

٢٣ عن ابي سعيد الخدري: خشينا ان يكون فينا حدث فسالنا رسول الله فقال: يخرج المهدي في امتي خمسا او سبعا او تسعا. زيد الشك قال: قلت: اي شئ؟ قال: سنين. ثم قال: يرسل السماء عليهم مدرارا و لاتدخر الارض من نباتها شيئا و يكون المال كدوسا يجيئ الرجل اليه فيقول يا مهدي اعطني اعطني فيحني له في ثوبه ما استطاع ان يحمل. (ابن حنبل، بي تا: ج ٢، ٢٢-٢٣؛ ترمذي، ١٤٠٢ق: ج ٣، ٣٤٢-٣٤٣، ج ٢٢٢٣؛ بستوي، ١٤٢٠ق (ب): ٤٩)

٢٤ محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن محمد بن سنان عن معاذ بن كثير: سمعت ابا عبدالله: موسّع على شيعتنا ان ينفقوا ينفقوا مما في ايديهم بالمعروف فاذا قام قائمنا حرم على كل ذي كيز كنزه حتى يأتيه به فيستعين به على عدوه و هو قول الله عزوجل «و الذين يكنزون الذهب و الفضة و لا ينفقونها في سبيل الله فيشرهم بعذاب اليم» (كليني، ١٢٨٨ق: ج ٤، ٤١، ج ٤٠؛ طوسي، ١٣٤٤ق: ج ٤، ١٤٣-١٤٤، ج ٢٤؛ عياشي، بي تا: ج ٢، ٨٧).

٢٥ حدثنا ابي قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحسن بن علي الكوفي عن عبدالله بن المغيرة عن سفيان بن عمار بن الانصاري عن عمرو بن شمر عن جابر: اقبل رجل الى ابي جعفر و انا حاضر فقال: رحمك الله اقبض هذه الاخمسمائة درهم فضعتها في موضعها فانها زكاة مالي. فقال له ابو جعفر: بل خذها انت فضعتها في جيرانك و الايتام و المساكين و في اخوانك المسلمين؛ انما يكون هذا اذا قام قائمنا... (صدوق، ١٢٨٥ق: ج ١، ١٤١، ج ٣؛ نعماني، ١٤٢٢ق: ٢٤٣-٢٤٤، ج ٢٤٤؛ مغربي، ١٤١٤ق: ج ٣، ٣٩٧).

٢٦ عن الحسين بن علوان عن ذكره عن ابي عبدالله: المؤمن كان عنده من ذلك شئ ينفقه على عياله ما شاء ثم اذا قام القائم فيحمل اليه ما عنده فما بقى من ذلك يستعين به على امره فقد ادى ما يجب عليه (عياشي، بي تا: ج ٢، ٨٧-٨٨، ج ٥٥).

٢٧ عن قتادة عن صالح ابي الخليل عن ام سلمة عن رسول الله: سيكون اختلاف عند موت خليفة فيخرج رجل المدينة هاربا الى مكة فيأتيه ناس من اهل مكة فيخرجونه و هو كاره فيبايعونه بين الركن و المقام و يبعث اليه بعث من اهل الشام فيخشف بهم بالبيداء فاذا سمع بذلك الناس اتاه ابدال اهل الشام و عصاب اهل العراق فيبايعونه ثم ينشأ رجل من قريش اخواله من كلب فيبعث اليهم بعثا فيظهر عليهم و يغتمون غنيمة و الخيبة لمن لم يشهد غنيمة كلب فيقسم بينهم فيتهم و يقيم فيهم سنة نبهم و يلقي الاسلام بجرانه الى الارض فيلبث سبع سنين (ابن راهويه، ١٤١٢ق: ج ٤، ١٧٠-١٧١؛ ابويعلی، بي تا: ج ١٢، ٣٦٩-٣٧٠، ج ٤٩٤٠؛ ابن حبان، ١٤٠٤ق: ج ١٥، ١٥٨-١٥٩؛ لجستاني، ١٤١٠ق: ج ٢، ٣١٠-٣١١، ج ٤٢٨٤؛ ابن

عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۹۲-۲۹۳؛ احمد، بی تا: ج ۶، ۳۱۶؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۳۵؛ صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۱؛ مروزی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۱۵؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۳۲۲-۳۲۳.

<sup>۲۸</sup> عن عبدالله بن مسعود: قال النبي: لو لم يبق من الدنيا الا ليلة لطول الله تلك الليلة حتى يملك هذه الامة رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي يملأها قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما يقسم المال بالسوية... (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۷، ۴۱۸؛ اربلي، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۲۷۴).

<sup>۲۹</sup> عن ابي سعيد الخدري: قال رسول الله: ابشركم بالمهدى يبعث في امتي على اختلاف من الناس و زلازل فيملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا يرضى به ساكن السماء يقسم المال صحاحا. قلنا: و ما الصحاح؟ قال: بالسوية بين الناس فيملا الله قلوب امة محمد غنى و يسعهم عدله... (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۲۲-۳۲۳، ۴۶۵؛ طبري، ۱۴۱۳ق: ۴۷۱-۴۷۲، ۴۷۲؛ اربلي، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۲۷۰؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۷ و ۵۲؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۷۳).

<sup>۳۰</sup> اين روايت از امام صادق(ع) نیز جای دقت دارد: محمد بن الحسن بإسناده عن الصادق عن علي بن محمد القاساني عن القاسم بن محمد عن سليمان بن داود المنقرى عن: حفص بن غياث: سمعت أبا عبدالله يقول و سئل عن قسم بيت المال فقال: أهل الاسلام هم أبناء الاسلام أسوي بينهم في العطاء و فضائلهم بينهم و بين الله أجعلهم كبنی رجل واحد لايفضل أحد منهم لفضله و صلاحه في الميراث على آخر ضعيف منقوص. قال: و هذا هو فعل رسول الله في بدو امره و قد قال غيرنا أقدمهم في العطاء بما قد فضلهم الله بسوابقهم في الاسلام إذا كان بالاسلام قد أصابوا ذلك فأنزلهم على موارث ذوي الأرحام بعضهم أقرب من بعض و أوفر نصيبا لقربه من الميت و إنما ورثوا برحمهم و كذلك كان عمر يفعله. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۱۰۶)

<sup>۳۱</sup> به عنوان نمونه: محمد بن إسحاق المقريبي عن المقانعي عن بكر بن أحمد عن الحسن بن الحسين عن المعلی بن زیاد عن العلاء بن بشير المرادي عن أبي الصديق الناجي عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله: أبشركم بالمهدى يبعث في أمتي على اختلاف من الناس و زلازل يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض. (طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۱۷۸، ۱۳۶)

<sup>۳۲</sup> حتى می توان به این روایت نیز اشاره داشت: «علی بن محمد بن عبدالله عن ابيه عن محمد بن عيسى عن داود النهدي عن علی بن جعفر عن أبي الحسن، قال لی: نحن في العلم و الشجاعة سواء و في العطايا علی قدر ما نؤمر» (کلینی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۲۷۵).

<sup>۳۳</sup> «اخبرنا احمد بن هودة الباهلي قال حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاندي قال حدثنا عبدالله بن حماد الانصاري عن عبدالله بن بكير عن حمران بن اعين عن ابي جعفر: كأنني بدينكم هذا لايزال متخضضا يفحص بدمه ثم لايرده عليكم الا رجل منا اهل البيت فيعطيك في السنة عطاءين و يرزقكم في الشهر رزقين...» (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۵، ۳۰).

<sup>۳۴</sup> و نیز ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۴؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۸۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۲۲۹؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴ م: ج ۲، ۱۲۱؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۲۶۵.

<sup>۳۵</sup> امیرالمؤمنین(ع) در بخشی از خطبه شفشقیه در این باره می فرماید: «الی ان قام ثالث القوم نافجا حضييه بين نثيله و معتلفه و قام معه بنو ابيه يخضمون مال الله خضمة الابل نبتة الربيع الی ان اجهر عليه عمله و كبت به بطننه» (سیدرضی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۳۵).

<sup>۳۶</sup> اخبرنا علی بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار قال حدثنا محمد بن حسان الرازي عن محمد بن علی الصيرفي عن محمد بن سنان عن محمد بن علی الحلبي عن سدير الصيرفي عن رجل من اهل الجزيرة كان قد جعل علی نفسه نذرا في حارية و جاء بها الى مكة فلقيت الحجة فآخبرتهم بخبرها و... (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۱-۲۴۲، ۲۵).

<sup>۳۷</sup> عنه عن عبدالرحمان عن ابن ابي حمزة عن ابي بصير عن ابي عبدالله: القائم يهدم المسجد الحرام حتى يرده الي اساسه و مسجد الرسول الي اساسه و يرده البيت الي موضعه و اقامه علی اساسه و قطع ايدي بنی شيبه السراق و علقها علی الكعبة (طوسی، ۱۴۱۱ق (ب): ۴۷۲، ۴۹۳).

<sup>۳۸</sup> عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد البرقي عن ابيه عن محمد بن يحيى الخزاز عن حماد بن عثمان: حضرت ابا عبدالله و قال له رجل: اصلحك الله ذكرت ان علی بن ابي طالب كان يلبس الخشن يلبس القميص باربعة دراهم و ما اشبه ذلك و نرى عليك اللباس الجديد. فقال له: ان علی بن ابي طالب كان يلبس ذلك في زمان لاينكر [عليه] و لو لبس مثل ذلك اليوم شهر به فخير لباس كل زمان لباس اهله غير ان فائنا اهل البيت اذا قام لبس ثياب علی و سار بسيرة علی (کلینی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۴۱۱، ۴).

<sup>۳۹</sup> علی بن ابراهيم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن المعلی بن خنيس: قلت لابی عبدالله يوما: جعلت فداك ذكرت آل فلان و ما هم فيه من النعيم فقلت لو كان هذا اليكم لعشنا معكم. فقال: هيهات يا معلی اما والله ان لو كان ذاك ما كان الا سياسة الليل و سياحة النهار و لبس الخشن و اكل الجشب فزوى ذلك عنا فهل رأيت ظلامه قط صيرها الله تعالى نعمة الا هذا؟ (همو، ج ۱، ۴۱۰، ۲).

<sup>۴۰</sup> الحسين بن محمد عن معلی بن محمد عن الحسن بن علی الوشاء عن احمد بن عائد عن ابي خديجة عن معلی بن خنيس عن ابي عبدالله: ان عليا كان عندكم فأتى بنی ديوان و اشترى ثلاثة اثواب بدينار القميص الي فوق الكعب و الازار الي نصف الساق و الرء من بين يديه الي ثدييه و من خلفه الي أليتيه ثم رفع يده الي السماء فلم يزل يحمده الله علی ما كساه حتى دخل منزله ثم قال: هذا اللباس الذي ينبغي للمسلمين ان يلبسوه. قال ابوعبدالله: و لكن لايقدر ان يلبسوا هذا اليوم و لو فعلناه لقالوا مجنون و لقالوا مرأئي! و الله تعالى يقول «وثيابك فطهر» قال و ثيابك ارفعها و لاتجرها و اذا قام فائنا كان هذا اللباس (همو، ج ۶، ۴۵۵-۴۵۶، ۲).

<sup>۴۱</sup> اخبرنا علی بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازي قال حدثنا محمد بن علی الكوفي عن معمر بن خلاد: ذكر القائم عند ابي الحسن الرضا فقال: انتم اليوم ارحى بالا منكم يومئذ. قالوا: و كيف؟ قال: لو قد خرج قائمنا لم يكن الا العلق و العرق و النوم علی السروج و ما لباس القائم الا الغليظ و ما طعامه الا الجشب (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۹۵-۲۹۶، ۵).

<sup>۴۲</sup> علی بن محمد عن صالح بن ابي حماد؛ و عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد و غيرهما باسانيد مختلفة في احتجاج اميرالمؤمنين علی عاصم بن زياد حين لبس العباء و ترك الملاء و شكاه اخوه الربيع بن زياد الي اميرالمؤمنين... فقال عاصم: يا اميرالمؤمنين فعلى ما اقتضت في مطعمك علی الجشوبة و في ملبسك علی الخشونة؟ فقال: ويحك ان الله عزوجل فرض علی ائمة العدل ان يقدروا انفسهم بضعفة الناس كي لايتبغ بالفقير فقره (کلینی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۴۱۰-۴۱۱، ۳).

<sup>۴۳</sup> قال علی(ع): «ما أصبح بالكوفة أحد إلا ناعما ان أذناهم منزلة ليأكل البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۱، ۳۶۸).

<sup>٤٤</sup> عن ابي سعيد الخدرى عن النبى: يكون المهدي فى عمره ان قصر عمره فسبع و الا فثمان و الا فتسع تنعم امتى فى دنياه نعماً لم تنعم مثله قط البر منهم و الفاجر ترسل السماء عليهم مدرارا و لاتدخر الارض شيئا من نباتها و المال كدوس يأتية الرجل فيحثو له (ابن طاووس، ١٤١٦ق: ٣٧٩، ح ٤٠٥ و ٣٢٤، ح ٤٦٨؛ طبرى، ١٤١٣ق: ٤٧٧-٤٧٨، ح ٧٢؛ ابن ابي شيبة، ١٤٠٩ق: ج ٨، ٦٧٨؛ ابن ماجه، بى تا: ج ٢، ١٣٦٦، ح ٤٠٨٣؛ مروزي، ١٤١٤ق: ٢٢٣).

<sup>٤٥</sup> همجنين ر.ك: طبرانى، ١٤١٥ق: ج ٥، ٢١١؛ بستوى، ١٤٢٠ق (ب): ٤٤.

<sup>٤٦</sup> عن ابي سعيد الخدرى: قال رسول الله (ص): «يكون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل يقال له المهدي يكون عطاءه هنيئا» (اربلى، ١٤٠٥ق: ج ٣، ٢٧١).

<sup>٤٧</sup> عن ابي امامة الباهلى: «خطبنا رسول الله ذات يوم خطبة فكان آخر خطبته: .. و تكون الارض كفائور الفضة تنبت نباتها كما كانت على عهد آدم يجتمع النفر على القثاء فتشبعهم و يجتمع النفر على الرمانه فتشبعهم و يكون الفرس بدرهيمات» (ابن طاووس، ١٤١٦ق: ٢٩٨-٢٩٩، ح ٤٢٠؛ ابن ماجه، بى تا: ج ٢، ١٣٥٩، ح ٤٠٧٧؛ ابن عساکر، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢٢٣-٢٢٤).

<sup>٤٨</sup> فى رواية عمرو بن شمر عن ابي جعفر ذكر المهدي فقال: «يدخل الكوفة و بها ثلاث رايات قد اضطربت فتصغو له... ثم يأمر من يحفر من ظهر مشهد الحسين نهرا يجرى الى الغريين حتى ينزل الماء فى النجف و يعمل على فوهته القناطير و الرحاء فكأنى بالعجوز على رأسها مكمل فيه بر تاتى تلك الارحاء فتطحنه بلا كراء» (مفيد، ١٤١٤ق: ج ٢، ٣٨٠).

<sup>٤٩</sup> محمد بن همام قال حدثنا احمد بن مابنداذ قال حدثنا محمد بن مالك قال حدثنا محمد بن سنان عن الكاهلى عن ابي عبدالله: تواصلوا و تباروا و تراحموا فوالذى فلق الحبة و برأ النسمة لبأئين عليكم وقت لايجد احدكم لديناره و درهمه موضعا. يعنى لايجد له عند ظهور القائم موضعا يصرفه فيه لاستغناء الناس جميعا بفضل الله و فضل وليه فقلت: و انى يكون ذلك؟ فقال: عند فقدكم امامكم فلا تزالون كذلك حتى يطلع عليكم كما تطلع الشمس ايس ما تكونون فايكم و الشك و الارتياب و انفوا عن انفسكم الشكوك و قد حذرتكم فاحذروا اسأل الله توفيقكم و ارشادكم (نعمانى، ١٤٢٢ق: ١٥٢-١٥٣، ح ٨).